



Investigation of the Mediating Roles of Children's Emotion Regulation and Emotional Lability/Negativity in the Relationship between Parents' Coping with Children's Negative Emotions and Their Behavioral Problems

Abbas Sheikhmohammadi¹ , Matin Qanbarzadeh^{2*} , Soroush Ranjbar³ 

1. Department of Psychology and Education of Exceptional Children, Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: sheikhmohammadi@ut.ac.ir
2. Corresponding Author, Department of Psychology, Faculty of Education and Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran. Email: qanbarzadeh1991@gmail.com
3. Department of Psychology and Education of Exceptional Children, Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: sranjbar@ut.ac.ir

ARTICLE INFO

Article type:
Research Article

Article History:
Received: 12 Apr 2022
Revised: 7 Jul 2022
Accepted: 16 Jul 2022
Published: 22 Oct 2024

Keywords:
Behavioral Problems, Emotion Lability/Negativity, Emotion Regulation.

ABSTRACT

This study investigated the mediating role of children's emotional regulation and emotional lability/negativity in the relationship between maternal strategies to manage children's negative emotions and children's externalizing problems. A correlational study was conducted. The statistical population of this survey consisted of boys and girls aged 7 to 12 from Karaj, Alborz, Iran. Participants included 341 (233 girls and 138 boys) and their mothers who selected randomly from elementary schools in 2019. The Strengths and Difficulties Questionnaire (SDQ), Emotion Regulation Checklist (ERQ), and Coping with Children's Negative Emotions Scale (CCNES) were completed by the mothers. SPSS software version 26 and the PROCESS macro were employed to conduct multiple regression analysis on the data. The findings indicated a significant relationship between maternal supportive and non-supportive strategies, emotion regulation, emotion lability/negativity and children's externalizing problems. The relationship between maternal supportive strategies and children's externalizing problems was mediated by the emotion regulation of children. The relationship between maternal supportive and non-supportive strategies emotions and children's externalizing problems was also mediated by the emotion lability/negativity of children. As a result, the externalizing problems of children are directly and indirectly influenced by the emotion regulation skills and emotion lability of children, as well as the maternal supportive and non-supportive strategies. Children's emotion regulation skills, their emotion lability/negativity and parental emotional socialization should be considered in conceptualization of children's behavior problems.

Cite this article: Sheikhmohammadi, A., Qanbarzadeh, M., & Ranjbar, S. (2024). Investigation of Mediating Roles of Children's Emotion Regulation and Emotional Lability/Negativity in Relationship between Parents' Coping with Children's Negative Emotions and Their Behavioral Problems. *Journal of Applied Psychological Research*, 15(3), 315-330. doi: 10.22059/japr.2024.341423.644232.





نقش واسطه‌ای تنظیم هیجان و بی‌ثباتی هیجانی/منفی‌گرایی کودکان در رابطه بین راهبردهای مقابله‌ای والدین با هیجانات منفی کودکان و مشکلات رفتاری آنان

عباس شیخ محمدی^۱، متین قنبرزاده^{۲*}، سروش رنجبر^۳

۱. دکتری روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، گروه روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: sheikhmohammadi@ut.ac.ir
۲. نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران. رایانامه: qanbarzadeh1991@gmail.com
۳. دانشجوی دکتری روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، گروه روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: sranjbar@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۴/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۲۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۸/۰۱

کلیدواژه‌ها:

بی‌ثباتی هیجانی، تنظیم هیجان، مشکلات رفتاری.

هدف پژوهش حاضر، مطالعه نقش واسطه‌ای تنظیم هیجان و بی‌ثباتی هیجانی کودکان در رابطه بین مقابله والدین با هیجانات منفی کودکان و مشکلات رفتاری برونی‌سازی کودکان بود. روش پژوهش از نظر هدف بنیادی و از نظر روش جمع‌آوری داده‌ها همبستگی است که در سال ۱۳۹۹ اجرا شد. جامعه آماری پژوهش شامل همه کودکان دختر و پسر ۷ تا ۱۲ ساله شهر کرج بود. از بین جامعه آماری ۳۶۰ کودک دختر و پسر از منطقه ۳ آموزش و پرورش کرج به صورت تصادفی مرحله‌ای انتخاب شدند. شرکت‌کنندگان شامل ۳۴۱ کودک (۲۳۳ دختر و ۱۰۸ پسر) با میانگین سنی ۷ تا ۱۲ بودند. مادران این کودکان به پرسشنامه توانایی‌ها و مشکلات (SDQ)، سیاهه تنظیم هیجان (ERQ) و مقیاس راهبردهای مقابله با هیجانات منفی کودکان (CCNES) پاسخ دادند. داده‌ها به روش تحلیل رگرسیون چندگانه و با نسخه ۲۶ نرم‌افزار SPSS و افزونه PROCESS تحلیل شد. نتایج تحلیل آماری نشان داد بین راهبردهای حمایتی و غیرحمایتی والدین در واکنش به هیجانات کودکان، تنظیم هیجان، بی‌ثباتی هیجانی و مشکلات رفتاری برونی‌سازی شده آنان رابطه معنادار وجود دارد. همچنین براساس نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه، تنظیم هیجان کودکان واسطه بین راهبردهای حمایتی والدین و مشکلات رفتاری برونی‌سازی کودکان است. به علاوه بی‌ثباتی هیجانی کودکان واسطه بین راهبردهای حمایتی و غیرحمایتی در واکنش به هیجانات کودکان و مشکلات رفتاری برونی‌سازی کودکان است؛ بنابراین مهارت‌های تنظیم هیجانی و بی‌ثباتی هیجانی کودکان می‌تواند واسطه بین راهبردهای والدین در واکنش به هیجانات کودکان و مشکلات رفتاری برونی‌سازی کودکان باشد. پیشنهاد می‌شود در مفهوم‌پردازی مشکلات رفتاری کودکان، هم به متغیرهای فردی و هم محیطی توجه شود.

استناد: شیخ محمدی، ع.، قنبرزاده، م.، و رنجبر، س. (۱۴۰۳). نقش واسطه‌ای تنظیم هیجان و بی‌ثباتی هیجانی/منفی‌گرایی کودکان در رابطه بین راهبردهای مقابله‌ای والدین با هیجانات منفی کودکان و مشکلات رفتاری آنان. فصل‌نامه پژوهش‌های کاربردی روانشناختی، ۱۵(۳)، ۳۱۵-۳۳۰.

doi: 10.22059/japr.2024.341423.644232

ناشر: انتشارات دانشگاه تهران

DOI: <https://doi.org/10.22059/japr.2024.341423.644232>

© نویسندگان.



۱. مقدمه

مشکلات سلامت روان حدود ۱۰ تا ۲۰ درصد از جمعیت کودکان و نوجوانان را در سطح جهان تحت تأثیر قرار داده است (کیلینگ و همکاران^۱، ۲۰۱۱) که پیامدهای منفی اقتصادی و اجتماعی طولانی مدتی برای جامعه دارد (ریونبارک و همکاران^۲، ۲۰۱۸). یکی از مشکلات شایع سلامت روان در کودکان و نوجوانان، مشکلات رفتاری برونی‌سازی^۳ است، شامل رفتارهای منفی‌ای که موجب رنجش و آزار دیگران می‌شوند و آثار مخربی بر محیط و اطرافیان فرد می‌گذارند و در قالب پرخاشگری، بیش‌فعالی^۴ و تضادورزی^۵ نمایان می‌شوند (آخنباخ و رسکولا^۶، ۲۰۰۱). عوامل مختلفی در بروز مشکلات رفتاری برونی‌سازی نقش دارند. یکی از متغیرهای پیش‌بینی‌کننده مشکلات رفتاری برونی‌سازی، مشکلات تنظیم هیجان^۷ است (مک‌لافلین و همکاران^۸، ۲۰۱۱). بسیاری از کودکان با مشکلات رفتاری برونی‌سازی، برانگیختگی هیجانی شدید، نارسایی در تنظیم هیجان و احساسات بالا نسبت به تهدید اجتماعی نشان می‌دهند (جانسون و همکاران^۹، ۲۰۱۷). آن‌ها در پردازش هیجانی^{۱۰} نیز دچار مشکل هستند (فانتی و همکاران^{۱۱}، ۲۰۱۶). عوامل محیطی نیز یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در بروز مشکلات هیجانی و رفتاری در کودکان است و پژوهش‌های مروری مختلف نقش عوامل مربوط به محیط خانوادگی مانند تعاملات والدین و رفتارهای والدگری^{۱۲} با آسیب‌شناسی روانی و کفایت هیجانی-اجتماعی^{۱۳} کودک را نشان داده‌اند (بندر و همکاران^{۱۴}، ۲۰۲۲؛ کو و همکاران^{۱۵}، ۲۰۲۰).

یکی از رفتارهای والدگری، نحوه واکنش والدین به هیجانات مختلف کودکان است. پاسخ والدین به هیجان کودک، بازخورد فوری را در مورد قابل قبول بودن هیجانات فراهم می‌کند و چارچوبی را در مورد نحوه تجربه و ابراز هیجانات در آینده برای کودک شکل می‌دهد (آیزنبرگ، کامبرلند و اسپینارد^{۱۶}، ۱۹۹۸). گاتمن و همکاران^{۱۷} (۱۹۹۷) اعتقاد دارند رفتار والدین را باورهای هیجان‌محور^{۱۸}، آگاهی و اهداف اجتماعی‌سازی آنان هدایت می‌کنند که فلسفه فراهیجان والدینی^{۱۹} نامیده می‌شود. نتایج پژوهش‌ها نشان داده است والدین براساس باور به فلسفه فراهیجان هدایت‌گری-هیجان^{۲۰} یا فلسفه فراهیجان نادیده‌گیری-هیجان^{۲۱} با یکدیگر تفاوت دارند. والدین با هدایت‌گری هیجان، از هیجانات خفیف در خودشان و دیگران آگاه هستند، ابراز مناسب هیجانات در کودکان را ارزشمند می‌دانند و آن را تشویق می‌کنند و از راهبردهای مسئله‌محور و هیجان‌محور برای کمک به کودکان بهره می‌گیرند تا هیجان‌اتشان را مدیریت کنند. در مقابل، رد کردن هیجان یا فلسفه فراهیجان تنبیه‌گر^{۲۲} با آگاهی محدود از هیجانات، باورهای منفی به ابراز هیجانی و پاسخ‌های انتقادی، تنبیه‌گر و نامعتبرساز به ابراز هیجانی کودکان مشخص می‌شود (کاتز و همکاران^{۲۳}، ۲۰۱۲). راهبردهای والدین در مقابله با هیجانات کودکان را می‌توان به دو دسته راهبردهای حمایتی و

1. Kieling et al.
2. Rivenbark et al.
3. externalizing problems
4. hyperactivity
5. defiant
6. Achenbach & Rescorla
7. emotion regulation
8. McLaughlin et al.
9. Johnson et al.
10. emotion processing
11. Fanti et al.
12. parenting
13. social-emotional competence
14. Bender et al.
15. Coe et al.
16. Eisenberg, Cumberland, & Spinrad
17. Gottman et al.
18. Parents' beliefs of emotion
19. Parental meta-emotion philosophy (PMEP)
20. emotion-coaching
21. emotion-dismissing
22. punitive
23. Katz et al.

غیرحمایتی تقسیم کرد. راهبردهای حمایتی محیطی آرام و بدون استرس را برای کودک به ارمغان می‌آورد که در آن کودک به‌راحتی می‌تواند هیجانات خود را درک، فهم و ابراز کند؛ درحالی‌که راهبردهای غیرحمایتی، تجربیات هیجانی کودکان را تحقیر، تنبیه و سرزنش می‌کنند و کودک نمی‌تواند به‌راحتی هیجانات خود را ابراز و کنترل کند (مک‌داول و همکاران^۱، ۲۰۰۲). نتایج پژوهش‌های مختلف نشان داده‌اند راهبردهای والدین نسبت به هیجانات کودکان می‌تواند به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای زمینه‌ساز انواع اختلالات درونی‌سازی (آلاتی و همکاران^۲، ۲۰۲۰؛ مک‌کی و همکاران^۳، ۲۰۲۱؛ جین و همکاران^۴، ۲۰۱۷؛ هارل و همکاران^۵، ۲۰۱۵) و برونی‌سازی (دیویس و همکاران^۶، ۲۰۲۱؛ بیرد و همکاران^۷، ۲۰۲۱؛ جانسون و همکاران^۸، ۲۰۱۷؛ دانسمور و همکاران^۹، ۲۰۱۳) باشد. ولی سؤالی که مطرح است این است که راهبردهای والدین چگونه و از طریق چه مکانیسمی در بروز انواع مشکلات رفتاری و هیجانی کودکان نقش دارند.

یکی از متغیرهایی که در مکانیسم اثرگذاری راهبردهای والدین در پاسخ به هیجانات کودکان مطرح است، تنظیم هیجان خود کودک است. تنظیم هیجان عبارت است از قابلیت و توانایی پاسخ‌دادن منعطف و قابل‌قبول به تجربه‌های هیجانی، به‌گونه‌ای که مانع واکنش‌های فوری و لحظه‌ای یا سبب به‌تأخیرانداختن واکنش‌ها شود (هو و همکاران^۹، ۲۰۱۷). همان‌طور که قبلاً اشاره شد، بین تنظیم هیجان و مشکلات درونی‌سازی و برونی‌سازی رابطه‌ی معناداری وجود دارد و کودکانی که تنظیم هیجان کمتری دارند، مشکلات رفتاری درونی‌سازی و برونی‌سازی بیشتری را نشان می‌دهند (بلاندن و همکاران^{۱۰}، ۲۰۱۰؛ استفان و آورام^{۱۱}، ۲۰۱۷؛ اسماعیلی و همکاران^{۱۲}، ۱۳۹۰). در کنار توانایی تنظیم هیجان، نوع واکنش کودکان به محرک‌ها و رویدادهای هیجانی یا بی‌ثباتی هیجانی^{۱۳} نیز در بروز مشکلات رفتاری اثرگذار است. تنظیم هیجان و بی‌ثباتی هیجانی، دو فرایند هیجانی مجزا ولی درهم‌تنیده هستند (اوتاس و همکاران^{۱۳}، ۲۰۱۸). بی‌ثباتی هیجانی عبارت است از تغییرات هیجانی بسیار سریع یا شدید که سبب ناتوانی در حفظ یک حالت هیجانی ثابت در طول زمان می‌شود (روزن و همکاران^{۱۴}، ۲۰۱۵). براساس پژوهش‌های طولی، بی‌ثباتی هیجانی با تنظیم هیجان همبستگی معکوس دارد (کیم-اسپون و همکاران^{۱۵}، ۲۰۱۳) و با انزوا، سازگاری اجتماعی (ژو و همکاران^{۱۶}، ۲۰۲۱) و مشکلات با همسالان (سوزا و همکاران^{۱۷}، ۲۰۲۱) دارای رابطه است. کودکانی که واکنش‌های هیجانی شدیدتری نشان می‌دهند، به احتمال بیشتری دچار رفتارهای ضداجتماعی (آیزنبرگ و همکاران^{۱۸}، ۱۹۹۵) و مشکلات رفتاری مانند دروغ‌گفتن، مشاجره، دزدی و فرار از مدرسه (سیلک و همکاران^{۱۹}، ۲۰۰۳) می‌شوند. در تبیین ارتباط بین تنظیم هیجان و بی‌ثباتی هیجانی موریس و همکاران^{۲۰} (۲۰۰۷) مدلی را ارائه کرده‌اند که براساس آن، والدین از طریق رفتارها و روش‌های مختلف، شامل الگودهی و نیز فضای هیجانی ایجادشده در خانواده در رشد تنظیم هیجان و بی‌ثباتی هیجانی کودکان نقش دارند (اوتاس و همکاران^{۲۱}، ۲۰۱۸). هارل و همکاران (۲۰۱۵) نیز نشان دادند راهبردهای والدین در مقابله با هیجانات کودکان با بالا بودن سطح مهارت‌های اجتماعی و تنظیم هیجان در ارتباط است. نتایج پژوهش آلاتی و همکاران (۲۰۲۰) نیز نشان داد حمایت والدین از هیجانات

1. McDowell et al.
2. Alati et al.
3. McKee et al.
4. Jin et al.
5. Hurrell et al.
6. Davies et al.
7. Byrd et al.
8. Dunsmore et al.
9. Huh et al.
10. Blandon et al.
11. Ştefan & Avram
12. emotion Lability
13. Oattes et al.
14. Rosen et al.
15. Kim-Spoon et al.
16. Zhu et al.
17. Sousa et al.
18. Eisenberg et al.
19. Silk et al.
20. Morris et al.

کودکان در دوران کودکی، با سطح تنظیم هیجان در ارتباط است.

مرور پژوهش‌ها نشان‌دهنده این واقعیت است که راهبردهای والدین در مقابله با هیجانات منفی کودکان با تنظیم هیجان و بی‌ثباتی هیجانی کودکان رابطه دارد. از سوی دیگر این دو متغیر با انواع اختلالات درونی‌سازی و برونی‌سازی در ارتباط هستند. براین اساس می‌توان فرض کرد که شاید توانایی تنظیم هیجان و بی‌ثباتی هیجانی کودک واسطه بین راهبردهای والدین در واکنش به هیجانات کودکان و مشکلات هیجانی و رفتاری آنان است. این فرضیه در برخی از پژوهش‌های خارجی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. برای مثال جین و همکاران (۲۰۱۷) نشان دادند که تنظیم هیجان کودکان با راهبردهای والدین در مقابله با هیجانات کودکان و نشانه‌های آسیب‌شناسی روانی رابطه دارد و تنظیم هیجان کودکان، نقشی واسطه‌ای بین راهبردهای والدین و نشانه‌های آسیب‌شناسی روانی را ایفا می‌کند. با وجود این، نیاز به پژوهش‌های بیشتر در این زمینه وجود دارد و بررسی گسترده‌تر ارتباط و تعامل متغیرهای مذکور به‌ویژه در ایران می‌تواند از نظر پژوهشی و کاربردی بااهمیت باشد. بر همین اساس هدف پژوهش حاضر مطالعه نقش واسطه‌ای تنظیم هیجان و بی‌ثباتی هیجانی کودکان در رابطه راهبردهای والدین در مقابله با هیجانات منفی کودکان در پیش‌بینی مشکلات رفتاری برونی‌سازی کودکان است. فرضیه پژوهش حاضر عبارت بود از اینکه راهبردهای والدین در مقابله با هیجانات منفی کودکان به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم از طریق تنظیم هیجان و بی‌ثباتی هیجانی/منفی‌گرایی کودک با مشکلات رفتاری آنان رابطه دارد.

۲. روش

۲-۱. جامعه، نمونه و روش اجرا

پژوهش حاضر یک طرح همبستگی بود که از طریق تحلیل مسیر انجام شد. جامعه آماری پژوهش شامل همه کودکان دختر و پسر ۷ تا ۱۲ سال شهر کرج بود که در سال ۱۳۹۹ مشغول به تحصیل در مدارس این شهر بودند. از بین جامعه آماری ۳۶۰ کودک دختر و پسر از منطقه ۳ آموزش و پرورش کرج به‌صورت تصادفی مرحله‌ای انتخاب شدند. روند انتخاب بدین‌صورت بود که ابتدا از بین مناطق چهارگانه آموزش و پرورش کرج منطقه ۳ به‌صورت تصادفی انتخاب شدند و سپس از منطقه ۳ به‌صورت تصادفی سه مدرسه دخترانه و سه مدرسه پسرانه گزینش شدند. درنهایت از هر مدرسه سه کلاس به‌صورت تصادفی انتخاب شدند و پرسشنامه‌ها در اختیار والدین دانش‌آموزان قرار گرفت. نمونه اولیه شامل ۳۶۰ نفر بود که پرسشنامه ۸ نفر به‌دلیل ناقص بودن پاسخ‌ها از پژوهش حذف شد. معیارهای ورود عبارت بودند از: اشتغال به تحصیل در مقطع دبستان، داشتن سن ۷ تا ۱۲، داشتن سواد خواندن و نوشتن برای والدین. معیار خروج نیز نارضایتی والدین برای شرکت در پژوهش بود. یازده نفر از والدین نیز به پرسشنامه‌ها پاسخ ندادند و اطلاعات ۳۴۱ نفر تحلیل شد. والدین رضایت خود را از شرکت در پژوهش به‌صورت کتبی اعلام کردند.

ابتدا با مراجعه به اداره آموزش و پرورش استان البرز، مجوز ورود به مدارس و همچنین اطلاعات نواحی و مدارس مقطع دبستان استان البرز اخذ شد. پس از انتخاب تصادفی مدارس و دریافت مجوز از مدیریت مدارس و با هماهنگی معلمان، پرسشنامه‌ها به همراه دستورالعمل تکمیل آن‌ها و فرم رضایت‌نامه شرکت در پژوهش در اختیار دانش‌آموزان قرار گرفت و از آنان خواسته شد تا به والدین خود تحویل دهند و پس از تکمیل به مدرسه برگردانند. پرسشنامه‌ها توسط معلمان پیگیری و جمع‌آوری شد و در اختیار نویسندگان مقاله قرار گرفت.

۲-۲. ابزارهای پژوهش

۲-۲-۱. مقیاس راهبردهای مقابله با هیجانات منفی کودکان^۱ (CCNES)

مقیاس راهبردهای مقابله با هیجانات منفی کودکان توسط فیبس و همکاران^۲ (۱۹۹۰) ساخته شده است. این مقیاس ۱۲ سناریوی فرضی به والدین ارائه می‌کند که ابراز هیجانات منفی کودکان را نشان می‌دهد و والدین هر سناریو را از طریق

1. Coping with Children's Negative Emotions Scale (CCNES)

2. Fabes et al.

گویه‌های ۱ (بسیار بعید است) تا ۷ (به احتمال خیلی زیاد) رتبه‌بندی می‌کنند. پاسخ‌های والدین در واقع راهبردهای حمایتی و غیرحمایتی آنان را نشان می‌دهد. راهبردهای حمایتی شامل واکنش متمرکز بر مسئله^۱، متمرکز بر هیجان^۲ و تشویق به ابراز^۳ و راهبردهای غیرحمایتی شامل واکنش محروم کردن^۴، کوچک‌شماری^۵ و پریشانی^۶ است. در مطالعه فیبس، پاولین و همکاران^۷ (۲۰۰۲) همسانی درونی این ابزار در زیرمقیاس‌های پریشانی، محروم کردن، تشویق به ابراز، متمرکز بر هیجان، متمرکز بر مسئله و کوچک‌شماری به ترتیب ۰/۷۰، ۰/۶۹، ۰/۷۸، ۰/۸۵، ۰/۸۰ و ۰/۷۸ گزارش شد. نتایج اعتباریابی این پرسشنامه بر پایه روش همسانی درونی در هریک از زیرمقیاس‌های پریشانی، محروم کردن، تشویق، متمرکز بر هیجان یا مسئله و کوچک‌شماری به ترتیب ۰/۶۵، ۰/۸۰، ۰/۸۴، ۰/۸۸، ۰/۸۰ و ۰/۸۰ و نتایج بازآزمایی پس از سه هفته در هریک از زیرمقیاس‌ها به ترتیب ۰/۹۲، ۰/۹۰، ۰/۹۱، ۰/۹۷، ۰/۸۳، ۰/۸۸ و ۰/۸۸ به دست آمد (کوثری، ۱۳۹۵). همچنین روایی این پرسشنامه از طریق تحلیل مؤلفه اصلی با استفاده از چرخش وریمکس محاسبه شد و روایی ملاکی مطلوبی به دست آمد (کوثری، ۱۳۹۵). در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ خرده‌مقیاس‌های پریشانی ۰/۶۱، محروم کردن ۰/۷۶، تشویق به ابراز ۰/۷۹، واکنش‌های متمرکز بر مسئله ۰/۸۵، واکنش‌های متمرکز بر هیجان ۰/۸۱ و کوچک‌شمردن ۰/۷۷ محاسبه شد.

۲-۲-۲. سیاهه تنظیم هیجان^۸ (ERC)

سیاهه تنظیم هیجان توسط شیلدز و سیچتی^۹ (۱۹۹۷) ساخته شده است. این ابزار شامل ۲۴ گویه است که فرایندهای هیجانی و تنظیم را در کودکان می‌سنجد، از جمله بی‌ثباتی عاطفی، شدت، ظرفیت، انعطاف‌پذیری و تناسب موقعیتی^{۱۰} (شیلدز و سیچتی، ۱۹۹۷). گویه‌ها در طیف لیکرت چهاردرجه‌ای تنظیم شده‌اند (۱=هرگز تا ۴=همیشه) و به دو خرده‌مقیاس تقسیم می‌شوند: تنظیم هیجان و بی‌ثباتی/منفی‌گرایی^{۱۱}. تنظیم هیجان از طریق هشت گویه ارزیابی می‌شود که تجلیات عاطفی متناسب به لحاظ موقعیتی، همدلی و خودآگاهی هیجانی را می‌سنجد. نمره‌های بالاتر دلالت بر ظرفیت بیشتر در مدیریت و تعدیل برانگیختگی هیجانی فرد دارد. خرده‌مقیاس بی‌ثباتی/منفی‌گرایی شامل ۱۵ گویه است که انعطاف‌ناپذیری، بدتنظیمی عاطفه منفی و پیش‌بینی‌ناپذیری و تغییر خلق ناگهانی را می‌سنجد. نمره‌های بالاتر واکنش‌های هیجانی افراطی و تغییرات خلق فراوان در هیجان نامرتب با وقایع یا محرک‌های بیرونی دلالت دارد. در مطالعه‌ای که ویژگی‌های روان‌سنجی این ابزار را بررسی کرد، آلفای کرونباخ ۰/۹۰ برای بی‌ثباتی/منفی‌گرایی و ۰/۷۹ برای تنظیم هیجان به دست آمد (ملینا و همکاران^{۱۲}، ۲۰۱۴). شفیی تبار و همکاران (۱۳۹۹) آلفای کرونباخ خرده‌مقیاس تنظیم هیجانی را ۰/۶۹ و بی‌ثباتی/منفی‌گرایی را ۰/۷۶ گزارش کردند. همچنین در پژوهش بخشی و همکاران (۱۳۹۷)، آلفای کرونباخ خرده‌مقیاس‌های تنظیم هیجان ۰/۷۵ و بی‌ثباتی/منفی‌گرایی ۰/۸۲ به دست آمد. ضریب آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر برای خرده‌مقیاس تنظیم هیجان ۰/۷۳ و برای بی‌ثباتی/منفی‌گرایی ۰/۷۸ محاسبه شد.

۲-۲-۳. پرسشنامه توانایی‌ها و مشکلات^{۱۳} (SDQ)

این پرسشنامه را گودمن^{۱۴} (۱۹۹۷) طراحی کرده است. این پرسشنامه دارای ۲۵ پرسش است و مشکلات رفتاری و هیجانی

1. problem-focused
2. emotion-focused
3. expressive encouragement
4. punitive reactions
5. minimization
6. distress
7. Fabes, Poulin et al.
8. Emotion Regulation Checklist (ERC)
9. Shields & Cicchetti
10. Affective lability, intensity, valence, flexibility & situational appropriateness
11. Lability/Negativity
12. Molina et al.
13. Strength and Difficulties Questionnaire (SDQ)
14. Goodman

فرزندان را از نظر والدین ارزیابی می‌کند. نمره‌گذاری آن از صفر تا ۲ است که برای گزینه‌های «درست نیست»، «تا حدی درست است» و «کاملاً درست است» در نظر گرفته شد. نمره کل می‌تواند از صفر تا ۴۰ نوسان داشته باشد. این پرسشنامه دارای پنج شاخص بیش‌فعالی، مشکلات هیجانی، مشکلات سلوک و مشکلات ارتباطی با همسالان و رفتارهای اجتماعی مطلوب است. میانگین آلفای کرونباخ این ابزار توسط سازنده آن ۰/۷۳ و همچنین ضریب پایایی آن به روش بازآزمایی با فاصله چهار تا شش ماه ۰/۶۲ گزارش شده است (گودمن، ۲۰۰۱). پرسشنامه یادشده در جامعه ایرانی اعتباریابی شده و حساسیت تشخیصی ۹۵ درصد برای نمره کل مقیاس گزارش شده است (تهرانی‌دوست و همکاران، ۱۳۸۵). آگیلار-وفایی و قره‌باغی (۱۳۸۸) نمره آلفای کرونباخ ۰/۸۴ برای مشکلات و ۰/۶۵ را برای رفتارهای اجتماعی مطلوب و اعتبار درونی کل مقیاس را ۰/۴۳ و در زیرمقیاس‌ها به ترتیب در مشکلات سلوک ۰/۵۸، بیش‌فعالی ۰/۶۸، مشکلات هیجانی ۰/۷۵ و مشکلات با همسالان ۰/۴۹ را گزارش کرده‌اند. ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده در پژوهش حاضر برای زیرمقیاس مشکلات سلوک ۰/۶۴ و برای بیش‌فعالی ۰/۷۰ به دست آمد.

۲-۳. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، از شاخص‌های توصیفی و استنباطی استفاده شد. برای آزمون فرضیه اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای پیش‌بین و واسطه، از تحلیل واسطه‌ای به روش رگرسیون سلسله‌مراتبی استفاده شد. تحلیل‌های آماری با نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ انجام گرفت.

۳. یافته‌ها

۳-۱. توصیف جمعیت شناختی

در این بخش، اطلاعات جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان و نیز شاخص‌های توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش ارائه می‌شود (جدول ۱). میانگین سنی شرکت‌کنندگان ۸ سال و ۵ ماه و انحراف استاندارد سن آنان ۳ سال ۴ ماه بود. دختران ۴۸/۵ درصد شرکت‌کنندگان (۲۳۳ نفر) و پسران ۵۱/۵ درصد شرکت‌کنندگان (۱۳۸ نفر) بودند.

۳-۲. شاخص‌های توصیفی و بررسی مفروضه‌های تحلیل رگرسیون

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی متغیرها

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	کجی	کشیدگی	۱	۲	۳	۴	۵
۱. مشکلات برونی‌سازی	۵/۵۳	۳/۲۹	۰/۵۴	۰/۰۶	۱				
۲. تنظیم هیجان	۲۴/۷۳	۲/۸۴	-۰/۱۸	۰/۳۴	-۰/۲۰**	۱			
۳. بی‌ثباتی/منفی‌گرایی	۳۱/۷۸	۵/۱۲	۰/۳۶	۰/۲۹	۰/۶۳**	-۰/۱۹**	۱		
۴. راهبردهای حمایتی	۱۵/۳۹	۲/۵۷	-۰/۸۹	۰/۷۶	-۰/۱۱*	۰/۱۸**	-۰/۱۷**	۱	
۵. راهبردهای غیرحمایتی	۱۰/۱۲	۲/۲۹	۰/۰۹	-۰/۳۲	۰/۲۲**	-۰/۱۰	۰/۲۲**	۰/۲۲**	۱

* سطح معناداری ۰/۰۵ ** سطح معناداری ۰/۰۱

میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است. همان‌گونه که شاخص‌های کجی و کشیدگی نشان می‌دهد، توزیع متغیرها به صورت نرمال است. همبستگی متغیرها (کمتر از ۷۰) نیز نشان می‌دهد مفروضه نبود همخطی چندگانه نیز رعایت شده است (میرز، گامست و گارینو^۱، ۱۳۹۱). از بین راهبردهای والدین، راهبردهای حمایتی با مشکلات برونی‌سازی و همچنین متغیرهای واسطه‌ای (تنظیم هیجان و بی‌ثباتی هیجانی/منفی‌گرایی) همبستگی معنادار دارد. راهبردهای غیرحمایتی با مشکلات برونی‌سازی همبستگی مثبت و معنادار، و با بی‌ثباتی هیجانی/منفی‌گرایی همبستگی مثبت و معنادار دارد، ولی با تنظیم هیجان همبستگی معنادار ندارد (عدم تأیید پیش شرط تحلیل واسطه‌ای)؛ بنابراین تحلیل واسطه‌ای تنظیم هیجان در رابطه بین راهبردهای غیرحمایتی و مشکلات برونی‌سازی انجام نشد. برای تعیین اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای پیش‌بین

و واسطه، از تحلیل واسطه‌ای و افزونه پراسس^۱ (هیز، ۲۰۱۳) استفاده شد. این ابزار از رگرسیون حداقل مجذورات برای برآورد پارامترهای معادله رگرسیونی که روشی معمول در تحلیل مسیر متغیرهای مشاهده شده است، استفاده می‌کند. یکی از مهم‌ترین مزیت‌های این ابزار، ساده بودن آن نسبت به سایر برنامه‌های تحلیل مسیر و تحلیل مدل معادلات ساختاری است و از آن می‌توان برای تحلیل‌های واسطه‌ای، تعدیل‌گری و فرایندهای شرطی (واسطه‌ای و تعدیل‌گری به صورت هم‌زمان) استفاده کرد. پراسس^۳ هرکدام از معادله‌های رگرسیونی را جداگانه برآورد می‌کند که به این معنا است که برآورد پارامترهای رگرسیونی در هر معادله، بر برآورد پارامترهای معادله‌های رگرسیونی دیگری که در مدل وجود دارند، اثر نمی‌گذارد (هیز و همکاران، ۲۰۱۷).

۳-۳. بررسی فرضیه‌ها

جدول ۳. نتایج مدل پیش‌بینی مشکلات برونی‌سازی از روی راهبردهای غیرحمایتی والدین با نقش واسطه‌ای بی‌ثباتی هیجانی/منفی‌گرایی کودکان

مشکلات رفتاری برونی‌سازی					
فاصله اطمینان					
b	SE	β	حد پایین	حد بالا	
۰/۳۱	۰/۰۷	۰/۲۱	۰/۱۶	۰/۴۶	مجموع اثرات مستقیم و غیرمستقیم راهبردهای غیرحمایتی روی مشکلات برونی‌سازی (C)
۰/۴۸	۰/۱۱	۰/۲۱	۰/۲۵	۰/۷۲	اثرات مستقیم راهبردهای غیرحمایتی روی بی‌ثباتی هیجانی/منفی‌گرایی (A)
۰/۳۹	۰/۰۲	۰/۶۱	۰/۳۴	۰/۴۵	بی‌ثباتی هیجانی/منفی‌گرایی روی مشکلات رفتاری برونی‌سازی (B) اثر غیرمستقیم
۰/۱۹	۰/۰۴	۰/۱۳	۰/۱۰	۰/۲۹	راهبردهای غیرحمایتی از طریق بی‌ثباتی هیجانی/منفی‌گرایی روی مشکلات برونی‌سازی (C')

همان‌طور که در جدول ۳ ملاحظه می‌شود، نتایج تحلیل واسطه‌ای نشان داد مدل کلی اثرات مستقیم و غیرمستقیم راهبردهای غیرحمایتی بر مشکلات برونی‌سازی معنادار است ($P=۰/۰۰۱$; $F(۲, ۳۳۹)=۱۷/۰۲$) و $۰/۴۰$ از واریانس علائم مشکلات برونی‌سازی توسط راهبردهای غیرحمایتی و بی‌ثباتی هیجانی تبیین می‌شود. همچنین براساس نتایج اثر مستقیم راهبردهای غیرحمایتی بر مشکلات برونی‌سازی ($\beta=۰/۲۱$ ؛ فاصله اطمینان ۹۵ درصد: $۰/۱۶$ تا $۰/۴۶$) معنادار است. به علاوه فاصله اطمینان مورد نظر برای اثر غیرمستقیم راهبردهای غیرحمایتی از طریق بی‌ثباتی هیجانی بر مشکلات درونی‌سازی، عدد صفر را شامل نمی‌شود؛ بنابراین می‌توان گفت بی‌ثباتی هیجانی/منفی‌گرایی در رابطه بین راهبردهای غیرحمایتی و مشکلات درونی‌سازی نقش واسطه‌ای دارد ($\beta=۰/۱۳$ ؛ فاصله اطمینان ۹۵ درصد: $۰/۱۳$ تا $۰/۱۰$).

جدول ۴. نتایج مدل پیش‌بینی مشکلات برونی‌سازی از روی راهبردهای حمایتی والدین با نقش واسطه‌ای تنظیم هیجان کودکان

مشکلات رفتاری برونی‌سازی					
فاصله اطمینان					
b	SE	β	حد پایین	حد بالا	
۰/۱۴	۰/۰۷	۰/۱۱	۰/۲۸	۰/۰۴	مجموع اثرات مستقیم و غیرمستقیم راهبردهای حمایتی روی مشکلات برونی‌سازی (C)
۰/۱۹	۰/۰۵	۰/۱۷	۰/۰۷	۰/۳۱	اثرات مستقیم راهبردهای حمایتی روی تنظیم هیجان (A)
۰/۲۲	۰/۰۶	۰/۱۹	۰/۳۴	۰/۰۹	تنظیم هیجان روی مشکلات رفتاری برونی‌سازی (B) اثر غیرمستقیم
۰/۰۴	۰/۰۱	۰/۰۳	۰/۰۸	۰/۰۱	راهبردهای حمایتی از طریق تنظیم هیجان روی مشکلات برونی‌سازی (C')

1. PROCESS
2. Hayes
3. PROCESS
4. Hayes et al.

همچنین نتایج تحلیل واسطه‌ای نشان داد مدل کلی اثرات مستقیم و غیرمستقیم راهبردهای حمایتی بر مشکلات برونی‌سازی نیز معنادار است ($F(۲, ۳۳۹) = ۸/۵۷; P = ۰/۰۰۱$) و $۰/۰۴$ از واریانس علائم مشکلات برونی‌سازی توسط راهبردهای حمایتی و تنظیم هیجان تبیین می‌شود (جدول ۴). فاصله اطمینان مورد نظر برای اثر غیرمستقیم راهبردهای حمایتی از طریق تنظیم هیجان بر مشکلات درونی‌سازی عدد صفر را شامل نمی‌شود؛ بنابراین می‌توان گفت تنظیم هیجان کودکان می‌تواند واسطه بین راهبردهای حمایتی و مشکلات رفتاری برونی‌سازی باشد ($\beta = ۰/۰۳$ ؛ فاصله اطمینان ۹۵ درصد: $-۰/۰۸$ تا $-۰/۰۱$).

جدول ۵. نتایج مدل پیش‌بینی مشکلات برونی‌سازی از روی راهبردهای حمایتی والدین با نقش واسطه‌ای بی‌ثباتی هیجان/منفی‌گرایی کودکان

مشکلات رفتاری برونی‌سازی				
فاصله اطمینان				
b	SE	β	حد پایین	حد بالا
مجموع اثرات مستقیم و غیرمستقیم				
-۰/۱۴	۰/۰۷	-۰/۱۱	-۰/۲۸	-۰/۰۱
راهبردهای حمایتی روی مشکلات برونی‌سازی (C)				
اثرات مستقیم				
-۰/۳۵	۰/۱۰	-۰/۱۷	-۰/۵۶	-۰/۱۴
راهبردهای حمایتی روی بی‌ثباتی هیجانی/منفی‌گرایی (A)				
۰/۴۰	۰/۰۲	-۰/۶۳	۰/۳۵	۰/۴۶
بی‌ثباتی هیجانی/منفی‌گرایی روی مشکلات رفتاری برونی‌سازی (B)				
اثر غیرمستقیم				
-۰/۱۴	۰/۰۴	۰/۱۱	-۰/۱۷	-۰/۰۵
راهبردهای حمایتی از طریق بی‌ثباتی هیجانی/منفی‌گرایی روی مشکلات برونی‌سازی (C')				

همچنین با توجه به اطلاعات جدول ۵ نتایج تحلیل واسطه‌ای نشان داد مدل کلی اثرات مستقیم و غیرمستقیم راهبردهای حمایتی بر مشکلات برونی‌سازی نیز معنادار است ($F(۲, ۳۳۹) = ۱۱۳/۷۸; P = ۰/۰۰۱$). فاصله اطمینان مورد نظر برای اثر غیرمستقیم راهبردهای حمایتی از طریق بی‌ثباتی هیجانی/منفی‌گرایی بر مشکلات برونی‌سازی عدد صفر را شامل نمی‌شود؛ بنابراین می‌توان گفت بی‌ثباتی هیجانی کودکان نیز می‌تواند واسطه‌ای بین راهبردهای حمایتی و مشکلات رفتاری برونی‌سازی باشد ($\beta = ۰/۱۱$ ؛ فاصله اطمینان ۹۵ درصد: $-۰/۱۷$ تا $-۰/۰۵$).

۴. بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش راهبردهای والدین در مقابله با هیجان‌های منفی کودکان در پیش‌بینی مشکلات رفتاری برونی‌سازی کودکان و مطالعه نقش واسطه‌ای تنظیم هیجان و بی‌ثباتی هیجانی/منفی‌گرایی کودکان انجام گرفت. مانند بسیاری از پژوهش‌ها در فرهنگ‌های دیگر (جین و همکاران، ۲۰۱۷؛ هارل و همکاران، ۲۰۱۵) نتایج پژوهش حاضر نیز حاکی از آن است که بین راهبردهای حمایتی و غیرحمایتی والدین در واکنش به هیجان‌های کودکان با تنظیم هیجان، بی‌ثباتی هیجانی/منفی‌گرایی و مشکلات رفتاری برونی‌سازی آنان رابطه معنادار وجود دارد. این یافته را می‌توان براساس فلسفه فراهیجان والدینی^۱ گاتمن تبیین کرد. والدینی که در واکنش به هیجان‌های کودکانشان از راهبردهای حمایتی استفاده می‌کنند، از هیجان‌های خفیف در خودشان و دیگران آگاه هستند، ابراز مناسب هیجان‌ها در کودکان را ارزشمند می‌دانند و آن را تشویق می‌کنند و از راهبردهای مسئله‌محور و هیجان‌محور برای کمک به کودکان بهره می‌گیرند تا هیجان‌هایشان را مدیریت کنند. در مقابل، والدینی که هیجان‌های کودک را رد می‌کنند، از این طریق تلاش می‌کنند تا هیجان‌های کودک را با بیشترین سرعتی که ممکن است تغییر دهند و به کودک بیاموزند که هیجان‌ها ناخوشایند آنان بی‌اهمیت هستند. اینکه والدین در رویارویی با هیجان‌های منفی کودکان چه واکنشی نشان می‌دهند، می‌تواند به صورت یک الگو برای کودکان عمل کند و زمینه را برای رشد مهارت تنظیم هیجان یا پریشانی و بی‌ثباتی هیجانی آنان فراهم کند. اگر والدین از راهبردهای حمایتی مانند تشویق به ابراز هیجان یا تمرکز بر حل مسئله و هیجان استفاده کنند، به کودکان این پیام را منتقل می‌کنند که هیجان‌ها شما اهمیت دارند و لازم است به آن‌ها توجه کنید. در مقابل، راهبردهای غیرحمایتی مانند محروم‌سازی، کوچک‌شمردن هیجان‌ها و پریشانی والدین حامل این پیام است که هیجان‌ها غیرقابل قبول است و

نباید مورد توجه قرار گیرد. راهبردهای والدین در مقابله با هیجانات منفی کودکان و در مقیاسی بزرگ‌تر، محیط و زمینه خانوادگی از طریق الگوسازی تنظیم هیجان توسط والدین، شیوه‌های فرزندپروری و رفتار، واکنش‌ها و راهبردها در مقابل هیجانات کودکان، بر رشد تنظیم هیجان کودکان بسیار تأثیرگذار است (موریس و همکاران، ۲۰۰۷). به این ترتیب می‌توان گفت راهبردهای حمایتی بیشتر و نیز راهبردهای غیرحمایتی کمتر والدین در واکنش به هیجانات کودکان با تنظیم هیجان، بی‌ثباتی هیجانی/منفی‌گرایی و مشکلات رفتاری رابطه دارند.

همچنین براساس نتایج تحلیل واسطه‌ای، تنظیم هیجان کودکان می‌تواند واسطه بین راهبردهای حمایتی والدین و مشکلات رفتاری برونی‌سازی کودکان باشد. به عبارتی راهبردهای حمایتی والدین در واکنش به هیجانات کودکان به تنظیم هیجانی بالاتر در کودکان منجر شود و تنظیم هیجان بالاتر با مشکلات رفتاری کمتر در کودکان همراه است. همچنین بی‌ثباتی هیجانی/منفی‌گرایی کودکان واسطه بین راهبردهای حمایتی و غیرحمایتی والدین در واکنش به هیجانات کودکان و مشکلات رفتاری برونی‌سازی کودکان است. به بیانی دیگر، هرچه والدین از راهبردهای حمایتی بیشتر و راهبردهای غیرحمایتی کمتر استفاده کنند، بی‌ثباتی هیجانی/منفی‌گرایی در کودکان کمتر می‌شود و کاهش بی‌ثباتی هیجانی/منفی‌گرایی سبب کاهش مشکلات برونی‌سازی می‌شود. نتایج مذکور با نتایج پژوهش‌های دیویس و همکاران (۲۰۲۱)، جین و همکاران (۲۰۱۷)، دانسمور و همکاران (۲۰۱۳)، لی و شین^۱ (۲۰۲۱) و نجاتی‌فر و همکاران (۱۳۹۹) همسو است؛ برای مثال دانسمور و همکاران (۲۰۱۳) با مطالعه ۷۲ مادر و کودک گزارش کردند که مربیگری هیجان (پذیرش هیجانات کودک، تصدیق هیجانات کودک و هدایت کلامی کودک در جهت درک، ابراز و کنارآمدن با هیجانات) توسط مادر با تنظیم هیجان کودکان ارتباط دارد و تنظیم هیجان کودکان واسطه بین مربیگری هیجان مادران و مهارت‌های سازشی بالا در کودکان است. جین و همکاران (۲۰۱۷) نیز پس از مطالعه خود گزارش کردند که تنظیم هیجان کودکان نقشی واسطه‌ای بین راهبردهای والدین و نشانه‌های آسیب‌شناسی روانی را ایفا می‌کند.

در تبیین نتایج ناظر بر نقش واسطه‌ای تنظیم هیجان و بی‌ثباتی هیجانی/منفی‌گرایی کودکان در رابطه بین راهبردهای والدین و مشکلات رفتاری کودکان می‌توان به نقش زمینه‌ای واکنش‌ها و آموزش‌های والدین در ایجاد مهارت‌های تنظیم هیجان در کودکان اشاره کرد. زمانی که پدر یا مادر با حساسیت و حمایت، هنگام رخداد تجارب هیجانی، کودک را راهنمایی می‌کند و از این تجارب به‌عنوان فرصت‌هایی برای یادگیری بهره می‌گیرد، کودک درک و آگاهی هیجانی را کسب خواهد کرد و از راهبردهای مؤثرتری برای تنظیم هیجان بهره خواهد برد. در نتیجه این فرایند موجب کفایت اجتماعی بیشتر، مشکلات درونی‌سازی و برونی‌سازی کمتر و دامنه‌ای از پیامدهای مثبت برای کودک و خانواده می‌شود (دنهام^۲، ۱۹۹۸؛ آیزنبرگ، کامبرلند و اسپینارد، ۱۹۹۸؛ گاتمن و همکاران، ۱۹۹۷؛ کاتز و همکاران، ۲۰۱۲). نجاتی‌فر و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی به بررسی اثربخشی مداخله والدمحور مبتنی بر فلسفه فراهیجانی گاتمن بر تنظیم شناختی هیجان کودکان با مشکلات رفتاری برونی‌سازی پرداختند و گزارش کردند که این مداخله مبتنی بر فلسفه فراهیجانی می‌تواند سبب بهبود تنظیم هیجان در کودکان با مشکلات رفتاری شود. دیویس و همکاران (۲۰۲۱) نیز در پژوهشی طولی به بررسی نقش واسطه‌ای سوگیری توجه کودکان به هیجانات منفی در رابطه بین راهبردهای فرزندپروری غیرحمایتی و علائم مشکلات رفتاری برونی‌سازی در کودکان پرداختند. آنان دریافتند که راهبردهای غیرحمایتی مادران با توجه کودکان به ابراز چهره‌ای هیجانات منفی در بزرگسالان رابطه دارد و کاهش توجه به هیجانات منفی علائم مشکلات رفتاری برونی‌سازی در آنان را پیش‌بینی می‌کند. پس انتظار می‌رود زمانی که والدین از راهبردهای هدایت‌گری هیجانی (راهبردهای حمایتی) استفاده می‌کنند، کودکان هیجانات خود و دیگران را بهتر شناسایی کنند و ابراز هیجانی دیگران را تشخیص دهند. افزایش دانش هیجانی، خودتنظیمی کودک را تسهیل می‌سازد (دنهام و همکاران^۳، ۲۰۱۲). توانایی خودتنظیمی، نقشی اساسی در بروز مشکلات هیجانی و رفتاری دارد؛ بنابراین کودکی که خودتنظیمی بهتری دارد، در واکنش‌های به موقعیت‌های هیجانی دشوار و پرتنش به احتمال کمتری دچار مشکلات رفتاری می‌شود. در مقابل استفاده بیشتر از راهبردهای

1. Lee & Shin

2. Denham

3. Denham et al.

غیرحمایتی از طرف والدین به کاهش مهارت‌های خودتنظیمی هیجانی و بی‌ثباتی هیجانی بالاتر در کودکان منجر می‌شود و تنظیم هیجان ضعیف و بی‌ثباتی هیجانی بالا در کودکان به نوبه خود زمینه را برای بروز مشکلات هیجانی و رفتاری فراهم می‌سازد.

بررسی تعاملات والدین و کودکان در قالب پژوهش‌های طولی، نتایج ارزشمندی به همراه دارند، ولی پژوهش حاضر مقطعی است که نتایج آن را تا حدودی محدود می‌سازد؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود روابط بین متغیرهای پژوهش حاضر به صورت طولی نیز مطالعه شود. همچنین به دلیل اینکه پژوهش حاضر همبستگی است، استنباط رابطه علی و معلولی کامل از نتایج آن با محدودیت روبه‌رو است و بهتر است در این زمینه با احتیاط بیشتری عمل کرد. همچنین اطلاعات پژوهش حاضر از طریق ابزارهای خودگزارشی توسط مادران به دست آمده است. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی از ابزارهای عینی‌تری مانند مشاهده مستقیم استفاده شود و نیز راهبردهای پدران به هیجان‌ات کودکان نیز هم‌زمان مورد بررسی قرار گیرد.

به طور کلی براساس نتایج پژوهش حاضر، نوع واکنش والدین به ویژه مادران در پاسخ به تجربیات هیجانی منفی کودکان می‌تواند نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری مهارت‌های تنظیم هیجان آنان داشته باشد و همچنین بر نوع واکنش کودکان به موقعیت‌های هیجانی اثرگذار باشد؛ بنابراین آموزش مهارت‌های مؤثر مقابله با هیجان‌ات منفی کودکان به والدین و توانمندسازی آنان در این زمینه از نظر کاربردی اهمیت فراوانی دارد و شایسته است تا در محیط‌های آموزشی و بالینی مورد توجه مسئولان و متخصصان قرار گیرد.

۵. ملاحظات اخلاقی

در این پژوهش، همه موازین اخلاقی شامل رضایت آگاهانه مشارکت‌کنندگان و والدین، اطمینان از محرمانه‌بودن اطلاعات، ورود و خروج داوطلبانه شرکت‌کنندگان و ملاحظات اخلاقی مطابق با اصول کلی پژوهش رعایت شد.

۶. سپاسگزاری و حمایت مالی

از تمامی والدین و دانش‌آموزان که در پژوهش حاضر شرکت کردند و همچنین از معلمان و مدیران مدارس و مسئولان آموزش و پرورش استان البرز و ناحیه ۳ کرج برای همکاری در اجرای این پژوهش صمیمانه تشکر و قدردانی می‌کنیم. همچنین اعلام می‌کنیم که این پژوهش بدون حمایت مالی مؤسسات یا نهادهای دولتی و غیردولتی انجام شده است.

۷. تعارض منافع

در مقاله حاضر هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

منابع

- آگیلار-وفایی، م.، و قره‌باغی، ف. (۱۳۸۸). ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه توانایی‌ها و مشکلات در نمونه کودکان ایرانی. *مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*. ۱۵(۳)، ۲۴۱-۲۳۱. <http://ijpcp.iums.ac.ir/article-1-821-fa.html>
- اسماعیلی، ل.، آقایی، ا.، عابدی، م.، ر.، و اسماعیلی، م. (۱۳۹۰). اثربخشی آموزش تنظیم هیجان بر سلامت روان دختران مصروع. *تشریح اندیشه و رفتار در روان‌شناسی بالینی*. ۵(۲۰)، ۴۲-۳۱. <https://www.magiran.com/paper/890143>
- بخشی، م.، مروتی، ذ.، الهی، ط.، و شاه‌محمدیان، س. (۱۳۹۷). اثربخشی هنردرمانی بر مهارت‌های اجتماعی-ارتباطی، تنظیم هیجان و انعطاف‌پذیری رفتاری در کودکان مبتلا به اختلال‌های طیف اوتیسم. *فصلنامه روان‌شناسی افراد استثنایی*. ۳۰(۸)، ۱۷۷-۱۵۵. <https://doi.org/10.22054/jpe.2019.9228>
- تهرانی‌دوست، م.، شهریور ز.، پاکباز ب.، رضایی آ.، و احمدی ف. (۱۳۸۵). روایی نسخه فارسی پرسشنامه توانایی‌ها و مشکلات (SDQ). *تازه‌های علوم شناخت*. ۸(۴)، ۳۹-۳۳. <http://icssjournal.ir/article-1-266-fa.html>

- شفیعی‌تبار، م.، اکبری چرمهینی، ص.، و مولایی یساولی، م. (۱۳۹۹). ساختار عاملی و ویژگی‌های روان‌سنجی چک‌لیست تنظیم هیجانی-نسخه والدین. *فصلنامه سلامت روان کودک*. ۷(۳)، ۹۵-۸۰. <http://childmentalhealth.ir/article-1-935-fa.html>
- کوثری، ف. (۱۳۹۵). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس‌های واکنش‌های والدین به هیجان‌ات مثبت و منفی کودکان. *رساله کارشناسی ارشد روان‌شناسی*. دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس. https://parseh.modares.ac.ir/thesis.php?id=1067724&sid=1&slc_lang=fa
- میرز، ل. اس.، گامست، گ.، و گارینو، جی. ا. (۱۳۹۱). *پژوهش‌های چندمتغیره کاربردی (طرح و تفسیر)*. ترجمه مجتبی حبیبی و همکاران. تهران: رشد.
- نجاتی‌فر، س.، عابدی، ا.، و قمرانی، ا. (۱۳۹۹). اثربخشی مداخله والدمحور مبتنی بر فلسفه فراهیجانی گاتمن بر تنظیم شناختی هیجان کودکان با مشکلات رفتاری برونی‌شده. *فصلنامه کودکان استثنایی*. ۲۰(۴)، ۳۶-۲۵. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.16826612.1399.20.4.10.7>

References

- Achenbach, T. M., & Rescorla, L. A. (2001). *Manual for the ASEBA school age forms & profiles*. Burlington, VT: University of Vermont, Research center of children.
- Aguilar-Vafaie M., & Gharehbaghy, F. (2009). Psychometric Properties of Persian Parent and Teacher Versions of the Strengths and Difficulties Questionnaire in a Sample of Iranian Children. *Iranian Psychiatry and Clinical Psychology*, 15(3), 231-241. <http://ijpcp.iuims.ac.ir/article-1-821-en.html> (In Persian)
- Alati, C. S., Ohara, G., Kennedy, H., & Montreull, T. (2020). Parental Emotion Socialization and Adult Outcomes: The Relationships Between Parental Supportiveness, Emotion Regulation, and Trait Anxiety. *Journal of Adult Development*, 27, 268-280. <https://doi.org/10.1007/s10804-019-09340-1>
- Bender, A. E., McKinney, S. J., Schmidt-Sane, M. M., Cage, J., Holmes, M. R., Berg, K. A., ... & Voith, L. A. (2022). Childhood exposure to intimate partner violence and effects on social-emotional competence: A systematic review. *Journal of Family Violence*, 37, 1263-1281. <https://doi.org/10.1007/s10896-021-00315-z>
- Blandon, A. Y., Calkins, S. D., Grimm, K. J., Keane, S. P., & O'Brien, M. (2010). Testing a developmental cascade model of emotional and social competence and early peer acceptance. *Development and Psychopathology*, 22(4), 737-748. <https://doi.org/10.1017/S0954579410000428>
- Byrd, A. L., Vine, V., Frigoletto, O. A., Vanwoerden, S., & Stepp, S. D. (2021). A multi-method investigation of parental responses to youth emotion: Prospective effects on emotion dysregulation and reactive aggression in daily life. *Research on Child and Adolescent Psychopathology*, 50(2), 117-131. <https://doi.org/10.1007/s10802-020-00754-0>
- Coe, J., Davies, P., Hentges, R., & Sturge-Apple, M. (2020). Understanding the nature of associations between family instability, unsupportive parenting, and children's externalizing symptoms. *Development and Psychopathology*, 32(1), 257-269. <https://doi.org/10.1017/S0954579418001736>
- Davies, P. T., Thompson, M. J., Coe, J. L., & Sturge-Apple, M. L. (2021). Maternal and paternal unsupportive parenting and children's externalizing symptoms: The mediational role of children's attention biases to negative emotion. *Development and Psychopathology*, 34(4), 1412-1428. <https://doi.org/10.1017/S0954579421000171>
- Denham, S. A. (1998). *Emotional development in young children*. New York, NY US: Guilford Press.

- Denham, S. A., Bassett, H. H., Way, E., Mincic, M., Zinsser, K., & Graling, K. (2012). Preschoolers' emotion knowledge: Self-regulatory foundations, and predictions of early school success. *Cognition & Emotion*, 26(4), 667–679. <https://doi.org/10.1080/02699931.2011.602049>
- Dunsmore, J. C., Booker, J. A., & Ollendick, T. H. (2013). Parental emotion coaching and child emotion regulation as protective factors for children with oppositional defiant disorder. *Social Development*, 22(3), 444-466. <https://doi.org/10.1111/j.1467-9507.2011.00652.x>
- Eisenberg, N., Cumberland, A., & Spinrad, T. L. (1998). Parental socialization of emotion. *Psychological Inquiry*, 9(4), 241-273. https://doi.org/10.1207/s15327965pli0904_1
- Eisenberg, N., Fabes, R. A., Murphy, B., Maszk, P., Smith, M., & Karbon, M. (1995). The role of emotionality and regulation in children's social functioning: A longitudinal study. *Child Development*, 66(5), 1360-1384. <https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/7555221/>
- Fabes, R. A., Eisenberg, N., & Bernzweig, J. (1990). *The coping with children's negative emotions scale: Description and scoring*. Unpublished manuscript. AZ: Department of Family Resources and Human Development, Arizona State University. <https://doi.org/10.1037/t36591-000>.
- Fabes, R. A., Poulin, R. E., Eisenberg, N., & Madden-Derdich, D. A. (2002). The Coping with Children's Negative Emotions Scale (CCNES): Psychometric properties and relations with children's emotional competence. *Marriage & Family Review*, 34(3-4), 285–310. https://doi.org/10.1300/J002v34n03_05
- Fanti, K. A., Panayiotou, G., Lazarou, C., Michael, R., & Georgiou, G. (2016). The better of two evils? Evidence that children exhibiting continuous conduct problems high or low on callous–unemotional traits score on opposite directions on physiological and behavioral measures of fear. *Development and Psychopathology*, 28(1), 185-198. <https://doi.org/10.1017/S0954579415000371>
- Goodman, R. (1997). The Strengths and difficulties questionnaire: A research note. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 38(5), 581-586. <https://doi.org/10.1111/j.1469-7610.1997.tb01545.x>.
- Goodman, R. (2001). Psychometric properties of the strengths and difficulties questionnaire. *Journal of the American Academy of Child & Adolescent Psychiatry*, 40(11), 1337-1345. <https://doi.org/10.1097/00004583-200111000-00015>
- Gottman, J. M., Katz, L. F., & Hooven, C. (1997). *Meta-emotion: How families communicate emotionally*. Hillsdale, NJ, England: Lawrence Erlbaum Associates, Inc.
- Hayes, A. F. (2013). *The PROCESS macro for SPSS and SAS Software*. <https://processmacro.org/index.html>
- Hayes, A. F., Montoya, A. K., & Rockwood, N. J. (2017). The analysis of mechanisms and their contingencies: PROCESS versus structural equation modeling. *Australasian Marketing Journal (AMJ)*, 25(1), 76-81. <https://doi.org/10.1016/j.ausmj.2017.02.001>
- Hurrell, K. E., Hudson, J. L., & Schniering, C. A. (2015). Parental reactions to children's negative emotions: Relationships with emotion regulation in children with an anxiety disorder. *Journal of Anxiety Disorders*, 29, 72–82. <https://doi.org/10.1016/j.janxdis.2014.10.008>.
- Huh, H. J., Kim, K. H., Lee, H. K., & Chae, J. H. (2017). The relationship between childhood trauma and the severity of adulthood depression and anxiety symptoms in a clinical sample: The mediating role of cognitive emotion regulation strategies. *Journal of Affective Disorders*, 213, 44-50. <https://doi.org/10.1016/j.jad.2017.02.009>
- Jin, Z., Zhang, X., & Han, Z. R. (2017). Parental emotion socialization and child psychological adjustment among Chinese urban families: Mediation through child emotion regulation and moderation through dyadic collaboration. *Frontiers in Psychology*, 8, 2198. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2017.02198>.

- Johnson, M. A., Hawes, J. D., Eisenberg, N., Kohlhoff, J., Dudeney, J. (2017). Emotion socialization and child conduct problems: A comprehensive review and meta-analysis. *Clinical Psychology Review, 54*, 65-80. <https://doi.org/10.1016/j.cpr.2017.04.001>
- Katz, L. F., Maliken, A. C., & Stettler, N. M. (2012). Parental meta-emotion philosophy: A review of research and theoretical framework. *Child Development Perspectives, 6*(4), 417-422. <https://doi.org/10.1111/j.1750-8606.2012.00244.x>
- Kieling, C., Baker-Henningham, H., Belfer, M., Conti, G., Ertem, I., Omigbodun, O., Rohde, L. A., Srinath, S., Ulkuer, N., & Rahman, A. (2011). Child and adolescent mental health worldwide: evidence for action. *The Lancet, 378*(9801), 1515-1525. [https://doi.org/10.1016/S0140-6736\(11\)60827-1](https://doi.org/10.1016/S0140-6736(11)60827-1)
- Kim-Spoon, J., Cicchetti, D., & Rogosch, F. A. (2013). A longitudinal study of emotion regulation, emotion lability-negativity, and internalizing symptomatology in maltreated and nonmaltreated children. *Child Development, 84*(2), 512-527. <https://doi.org/10.1111/j.1467-8624.2012.01857.x>
- Kosari, F. (2016). Investigating the psychometric properties of The coping with children's negative emotions scale. *Master thesis*. University of Tarbiat Modaress, Tehran, Iran. https://parseh.modares.ac.ir/thesis.php?id=1067724&sid=1&slc_lang=fa (In Persian)
- Lee, D. H., & Shin, H. (2021). Parental bonding and adolescent bullying perpetration: Examining sequential indirect effects of anxiety and anger-in. *School Psychology International, 42*(3), 259-284. <https://doi.org/10.1177/0143034320988152>
- McDowell, D. J., Kim, M., O'Neil, R., & Parke, R. D. (2002). Children's emotional regulation and social competence in middle childhood: The role of maternal and paternal interactive style. *Marriage & Family Review, 34*(3-4), 345-364. https://doi.org/10.1300/J002v34n03_07
- McKee, L. G., Duprey, E. B., & O'Neal, C. W. (2021). Emotion socialization and young adult internalizing symptoms: the roles of mindfulness and emotion regulation. *Mindfulness, 12*, 53-60. <https://doi.org/10.1007/s12671-018-1079-9>
- McLaughlin, K. A., Hatzenbuehler, M. L., Mennin, D. S., & Nolen-Hoeksema, S. (2011). Emotion dysregulation and adolescent psychopathology: A prospective study. *Behaviour Research and Therapy, 49*(9), 544-554. <https://doi.org/10.1016/j.brat.2011.06.003>
- Meyers, L. S., Gamst, G., & Guarino, A. J. (2012). *Applied multivariate research: Design and interpretation*. Translated by: M. Habibi et al. Tehran: Roshd. (In Persian)
- Molina, P., Sala, M. N., Zappulla, C., Bonfigliuoli, C., Cavioni, V., Zanetti, M. A., ... & Cicchetti, D. (2014). The Emotion Regulation Checklist – Italian translation. Validation of parent and teacher versions. *European Journal of Developmental Psychology, 11*(5), 624-634. <https://doi.org/10.1080/17405629.2014.898581>
- Morris, A., Silk, J. S., Steinberg, L., Myers, S. S., & Robinson, L. R. (2007). The role of family context in the development of emotion regulation. *Social Development, 16*(2), 361-388. <https://doi.org/10.1111/j.1467-9507.2007.00389.x>
- Nejatifar, S., Abedi, A., & Ghamarani, A. (2021). Effectiveness of parent-centered intervention based on Gottman's meta-emotional philosophy on cognitive emotion regulation in children with externalizing behavioral problems. *Journal of Exceptional Children, 20*(4), 25-36. <http://joec.ir/article-1-1308-en.html> (In Persian)
- Oattes, N., Kosmerly, S., & Rogers, M. (2018). Parent emotional well-being and emotion lability in young children. *Journal of Child and Family Studies, 27*(11), 3658-3671. <https://doi.org/10.1007/s10826-018-1188-z>
- Rivenbark, J. G., Odgers, C. L., Caspi, A., Harrington, H., Hogan, S., Houts, R. M., ... & Moffitt, T. E. (2018). The high societal costs of childhood conduct problems: evidence from administrative records up to age 38 in a longitudinal birth cohort. *Journal of Child Psychology and Psychiatry, 59*(6), 703-710. <https://doi.org/10.1111/jcpp.12850>

- Rosen, P. J., Walerius, D. M., Fogleman, N. D., & Factor, P. I. (2015). The association of emotional lability and emotional and behavioral difficulties among children with and without ADHD. *ADHD Attention Deficit and Hyperactivity Disorders*, 7(4), 281-294. <https://doi.org/10.1007/s12402-015-0175-0>
- Shields, A., & Cicchetti, D. (1997). Emotion regulation among school-age children: The development and validation of a new criterion Q-sort scale. *Developmental Psychology*, 33(6), 906-916. <https://doi.org/10.1037//0012-1649.33.6.906>
- Silk, J. S., Steinberg, L., & Morris, A. S. (2003). Adolescents' emotion regulation in daily life: Links to depressive symptoms and problem behavior. *Child Development*, 74(6), 1869-1880. <https://doi.org/10.1046/j.1467-8624.2003.00643.x>
- Smaeeli, L., Aghayi, A., Abedi, M. R., & Smaeeli, M. (2011). Effectiveness of Emotion Regulation in the Mental Health of Epileptic Girls. *Thought and Behavior in Clinical Psychology*, 5(20), 31-42. <https://www.magiran.com/paper/890143> (In Persian)
- Sousa, M., Cruz, S., & Cruz, O. (2021). The relationship of emotion regulation and negative lability with socioemotional adjustment in institutionalized and non-institutionalized children. *British Journal of Developmental Psychology*, 39(1), 169-189. <https://doi.org/10.1111/bjdp.12361>
- Ştefan, C. A., & Avram, J. (2017). Investigating direct and indirect effects of attachment on internalizing and externalizing problems through emotion regulation in a cross-sectional study. *Journal of Child and Family Studies*, 26(8), 2311-2323. <https://doi.org/10.1007/s10826-017-0723-7>
- Tehranidoust, M., Shahriyar, Z., Pakbaz, B., Rezaei, A., & Ahmadi F (2007). Validity of Farsi Version of Strengths and Difficulties Questionnaire (SDQ). *Advances in Cognitive Sciences*, 8(4), 33-39. <http://icssjournal.ir/article-1-266-en.html> (In Persian)
- Zhu, J., Xiao, B., Hipson, W., Yan, C., Coplan, R. J., & Li, Y. (2021). Social avoidance and social adjustment: The moderating role of emotion regulation and emotion lability/negativity among Chinese Preschool Children. *Frontiers in Psychology*, 12, 618670. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2021.618670>